



دانشگاه تهران

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

بررسی دعوت و ماهیت آن و اوصاف دعوتگر از دیدگاه قرآن کریم

نگارش:

رحیم خاکپور

استاد راهنما:

دکتر آذرتاش آذرنوش

استاد مشاور:

دکتر داود سلیمانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته علوم قرآن و حدیث

شهریور ۱۳۸۵

چکیده

دعوت به سوی خدا یکی از اصول مهم دین اسلام بوده و در قرآن مورد توجه و عنایت ویژه قرار دارد، بنابراین طبیعی است که بتوان همه رؤوس اصلی و جوانب مهم آن را از قرآن استنباط کرد. پیراستن آراء غیر قرآنی از نظریه قرآنی در باب دعوت کاری است که کمتر مورد توجه محققان بوده است. اگرچه نمی توان جایگاه روایات صحیح، تفاسیر معتبر و اقوال و تجارب حکیمانه دعوتگران را انکارکرد ولی بنا به ضرورت و خلأ موجود سعی وافر این رساله پیراستن آراء غیر قرآنی از نظریه قرآنی در مورد دعوت می باشد ولذا مبنا، تکیه گاه و محور رساله را، قرآن و آیات قرآنی تشکیل می دهند و البته در کنار آن از سایر منابع دیگر نیز غفلت نورزیده ایم. تا از این طریق دعوت و ماهیت آن را بررسی کرده و اوصاف دعوتگران را از دیدگاه قرآن برشماریم. که این کار را در پنج فصل اصلی به ترتیب زیر مورد بررسی قرار داده ایم:

- ۱- دعوت: معنی و مفهوم آن، واژه های هم معنی با آن، اهداف، جایگاه و حکم شرعی آن.
- ۲- داعی: تعریف، نیازها و اخلاق و اوصاف وی.
- ۳- مخاطبان دعوت: تعریف و اصناف مدعویین، موضعگیری هر صنف در مقابل دعوت، وظیفه داعی در برابر هر کدام.
- ۴- مصادر و روش های دعوت.
- ۵- نکات ضروری برای موفقیت در دعوت.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق	۳
هدف تحقیق	۴
فصل اول: دعوت	۶
تعریف لغوی دعوت	۶
تعریف اصطلاحی دعوت	۷
واژه های مترادف با دعوت در قرآن	۹
دعوت و تبلیغ	۹
دعوت و امر به معروف و نهی از منکر	۱۴
دعوت و جهاد	۱۶
دعوت و تعلیم و تربیت	۱۹
اهداف و غایات دعوت از دیدگاه قرآن کریم	۲۱
۱- خارج ساختن مرد از تاریکی ها به نور	۲۱
۲- برپایی توحید	۲۳
۳- تحقق عبادت خدا	۲۳
۴- ایجاد محبت خدا	۲۴
۵- ترویج ایمان به غیب	۲۶
۶- ترویج ایمان به معاد	۲۷
۷- برانگیختن فطرت و عقل	۲۷
۸- آزاد سازی مردم از قید و بندها	۲۸
۹- برپا داشتن قسط و عدالت	۳۰
۱۰- ایجاد الفت، حذر از تفرقه	۳۰

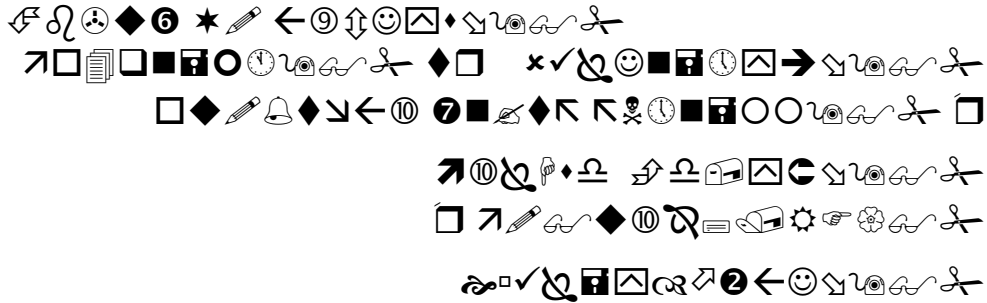
۳۲	۱۱- ترویج مکارم اخلاقی.....
۳۳	اهداف دعوت در بیانات علمای دعوتگر.....
۳۶	جایگاه دعوت در قرآن.....
۳۸	۱- دعوت: نشانه‌ی ایمان.....
۳۹	۲- دعوت: یک تکلیف شرعی.....
۳۹	۳- دعوت: بهترین کلام و اعمال.....
۴۱	۴- دعوت: ویژگی برجسته امت محمدی.....
۴۲	۵- دعوت: راه رستگاری.....
۴۵	۶- ترک دعوت: سبب نزول عذاب.....
۴۶	دعوت بر چه کسانی واجب است؟.....
۴۹	فصل دوم: داعی کیست؟.....
۴۹	تعریف داعی و فضیلت دعوت.....
۵۲	نیازهای اساسی دعوتگر.....
۵۳	فهم عمیق از دین.....
۵۷	ایمان عمیق و پایدار.....
۶۰	ارتباط وثیق و محکم با جامعه.....
۶۴	اخلاق و اوصاف دعوتگر.....
۶۴	تعریف اخلاق.....
۶۵	اسلام و اخلاق:.....
۶۷	۱- صدق و راستی.....
۶۸	۲- صبر و پایداری.....
۷۰	۳- مهربانی، خیر خواهی و دلسوزی.....
۷۱	۴- تواضع.....
۷۳	۵- ساده گیری.....
۷۴	۶- مدارا و نرمش.....
۷۶	فصل سوم: مخاطبان دعوت (مدعوین).....
۷۶	تعریف مدعو و اصناف مدعوین.....
۸۱	مؤمنان.....

۸۳	حقوق عمومی مؤمنان
۸۳	الف) مساوات
۸۶	ب) آزادی
۸۷	وظایف مؤمنان
۸۸	کافران
۸۹	موضعگیری «ملاً» و اشراف در برابر دعوت
۹۱	علل دشمنی سران با دعوت
۹۲	الف) جهالت
۹۴	ب) هوی پرستی
۹۷	۱- کبر
۱۰۰	۲- حب جاه و ریاست
۱۰۳	عکس العمل «ملاً» در برابر دعوت
۱۰۳	راهای مقابله‌ی «ملاً» با دعوت
۱۰۳	۱- اذیت و آزار فیزیکی
۱۰۶	۲- جنگهای روانی
۱۰۷	چند نمونه از جنگهای روانی و موضعگیری پیامبران در برابر آن
۱۰۷	۱- طعنه زدن به دعوتگر و تردید در حقانیت وی
۱۱۰	۲- شبهه افساد در زمین و برتری طلبی دعوتگر
۱۱۶	۳- تهمت خرافه‌گویی
۱۱۶	۴- شبهه موقعیت اجتماعی دعوتگر
۱۱۸	۵- خدشه وارد کردن به شخصیت گرویدگان به دعوت
۱۲۰	عموم مردم
۱۲۲	تأثیر پذیری عموم مردم از سران و بزرگان
۱۲۴	علل تأثیر پذیری عموم مردم از رؤسای قوم
۱۲۴	۱- ترس و خوف از رؤسا
۱۲۸	۲- ثروت و قدرت رؤسا
۱۲۹	۳- شبهات وارد شده از ناحیه رؤسا
۱۳۱	منافقان

تعریف منافق.....	۱۳۱
نفاق از چه مرحله ای موضوعیت می یابد؟.....	۱۳۳
ریشه یابی علل نفاق.....	۱۳۴
نشانه ها و اوصاف منافقان.....	۱۳۶
۱- مریض بودن قلب.....	۱۳۶
۲- تباه کاری در زمین.....	۱۳۷
۳- متهم کردن سایر مؤمنان به سفاهت.....	۱۳۸
۴- دوستی با کافران.....	۱۳۹
۵- نیرنگ بازی، ریاکاری و کسالت در ادای عبادات.....	۱۴۰
۶- رضایت به حکم طاغوت.....	۱۴۱
۷- درغگویی و ترس.....	۱۴۲
۸- امر به منکر و نهی از معروف.....	۱۴۳
۹- عهد شکنی و خیانت.....	۱۴۴
اهل کتاب.....	۱۴۵
فصل چهارم: مصادر و روش های دعوت.....	۱۴۸
۱- مصادر موجود برای استخراج شیوه های دعوت.....	۱۴۸
الف) قرآن.....	۱۴۸
ب) سنّت.....	۱۵۳
ج) تجارب دعوتگران.....	۱۵۸
۲- روش های دعوت.....	۱۶۰
الف) تعریف روشها.....	۱۶۳
ب) انواع روش ها.....	۱۶۴
روش عملی.....	۱۶۴
روش بیانی.....	۱۶۷
۱- حکمت.....	۱۷۰
۲- موعظه حسنه.....	۱۷۵
۳- مجادله.....	۱۷۷
فصل پنجم: نکات ضروری برای موفقیت در دعوت.....	۱۸۳

۱۸۳	۱- اسوه بودن.....
۱۸۳	الف) معنی اسوه.....
۱۸۷	ب) اهمیت «اسوه» در روایات.....
۱۸۹	۲- رعایت اولویتها.....
۱۹۵	۳- توکل به خدا و امیدواری به وعده های الهی.....
۱۹۹	راههای تقویت توکل به خدا.....
۱۹۹	الف) معرفت خداوند.....
۲۰۰	ب) ایمان به ملائکه.....
۲۰۲	۴- وضوح در دعوت.....
۲۰۹	۵- تکرار و تأکید.....
۲۱۷	۶- تدریجی بودن دعوت.....
۲۲۱	تحریم تدریجی خمر(شراب).....
۲۲۳	تحریم تدریجی ربا.....
۲۲۵	۷- میانه روی در امور.....
۲۲۵	الف) تعریف «الوسطیة» و یا میانه روی.....
۲۲۷	ب) اهمیت میانه روی در دعوت اسلامی.....
۲۲۹	جمع بندی و نتیجه گیری.....
۲۳۰	منابع و مأخذ.....

مقدمه



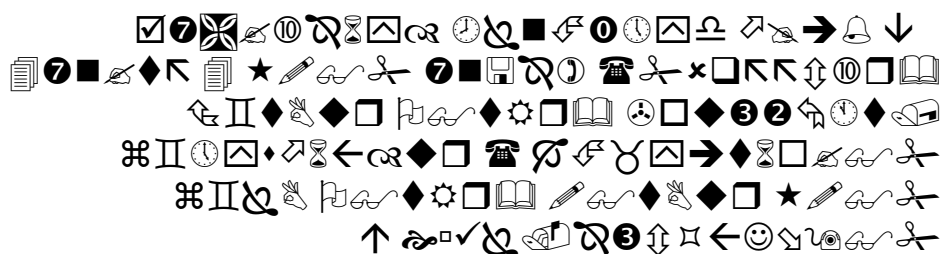
در آموزه های دینی ما هدف از خلقت موجودات ذی شعور عبادت و بندگی خداست و غرض از این عبودیت، انجام مسئولیت خلافت و به عبارت دیگر نیل به سعادت می باشد. این موجودات در خلقت اولیه خود دارای این استعداد و قابلیت هستند که بتوانند عهده دار این مسئولیت گردند ولی از طرفی تمایلات شهوت طلبانه نفس درونی و از طرف دیگر معاندت سیطره جویانه ابلیس بیرونی، آنچنان سد راه انجام این مسئولیت و تحقق آن عبادت گردید که بشریت، نه تنها از یگانه راه زندگی به پرتگاه رویگردانی از بندگی سقوط کرد، بلکه با هر آنچه در توان داشت، دست به دست شیطان داد و پرچم مبارزه با عبودیت الهی را برافراشت و این نونهال هوی پرستی و تبعیت از شیطان را چنان کاشت و داشت که برداشت آن چیزی نبود جز محصول منحوس افساد در زمین، سفک دماء و قتل دعوتگران و انبیاء.

کمی به عقب تر برگردیم: خلقت نخستین شروع شد. آدمی بر اساس فطرت اولیه خود راه صحیح بندگی را در پیش گرفت. اولین انسان، نخستین رابط و واسطه امین انتقال برنامه بندگی به بندگان نیز بود تا این ابلاغ رسولی، ضمیمه آن الهام غریزی و فطری گشته و حجتی برای سرپیچی و بهانه ای برای عدم اطاعت باقی نماند... و... ولی افسوس که در آن روی دیگر سکه، دشمن دیرینه و قسم خورده بشریت، ضمیمه قابلیت هوی پرستی این موجود ذی شعور گردید و چنان نفوذ کرد و تاثیر گذاشت که در عهد شیخ الانبیاء، حضرت نوح(ع)، طاغوت به صورت رسمی و علنی در برابر ایمان صف آرایی نمود و البته این صف آرایی صد ها سال طول کشید تا شاید این غائله شیطانی و این انحراف نفسانی برپاشده،

دوباره و برای همیشه خاموش گردد ولی افسوس که چنین نشد و راستی که تقدیر بر آن رفته بود که حتی آن طوفان عظیم نوح (ع) نیز نتواند ریشه های این درخت شرک و انحراف و گمراهی را برای ابد بخشکاند، تا اینکه مردان خدا از دشمنان و راستگویان بر عهد «روز الست» از دروغگویان تفکیک داده شوند.

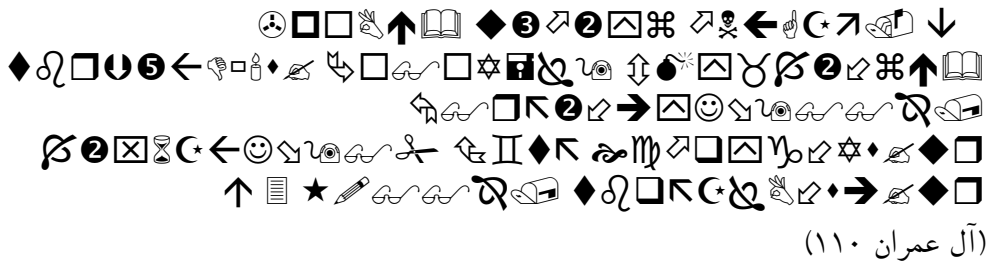
از آنجا که رحمت واسعه و حکمت متعالیه و اراده غالبه خداوند مستلزم ابلاغ و یادآوری هدایت و راه عبودیت به بشریت منحرف و سرگشته بوده و هست، سلسله داعیان الهی نیز با تداوم شرک و انحراف، ادامه پیدا کرد و وریارویی دو جبهه حق و باطل، جز در ظواهر، جزئیات و مسایل قابل تطور، تغییری نکرد و سرلوحه دعوت داعیان، فرا خواندن به سوی عبودیت خدا و اجتناب از معاندان این عبودیت - یعنی طاغیان- بوده و خواهد بود. این روند ادامه یافت و واسطه های الهی پی در پی به ادای مسئولیت پرداختند، تا اینکه بشریت چنان قابلیت یافت که بتواند کامل ترین برنامه عبودیت را دریافت و حفظ و حراست نماید و همین امر در کنار بلوغ عقلی و فکری بشریت، مهر خاتمی شد بر نبوت و خاتمیت نبوت را رقم زد.

بعد از آنکه نبوت مهر خاتمیت خورد و برنامه بندگی به اوج تکامل خود رسید و در قالب یک کتاب به اسم قرآن متبلور گردید و دیگر نیازی به تجدید برنامه نبود، دعوت به سوی این دین نهایی و این برنامه کامل زندگی به صورت یک آیین نامه لازم الاجرا در اثنای این کتاب عظیم هدایت گنجانده شد و میثاقی وثیق از پیروان این دین گرفته شد که جز راه دعوت را نروند:



(یوسف ۱۰۸)

و بهترین بودنشان در گرو امر به معروف و نهی از منکر قرار داده شد:



به این ترتیب دعوت به معنی فراخواندن به سوی دین خدا، یکی از اصول اساسی قرآن کریم و دین اسلام گردید و مؤمنان و خصوصاً علماء و امراء مسئول انجام آن شدند. بنابراین طبیعی است با گذشت زمان و ظهور دعوتگران، مساله دعوت، بعد تاریخی نیز به خود بگیرد که البته بعد تاریخی آن از دایره بحث ما خارج است.

سوال این است: آیا در این کتاب عظیم الهی و این آخرین برنامه عبودیت، به اصل مهم و اساسی دعوت تا آنجا اهتمام داده شده که بتوان رؤوس کلی و اصول اساسی همه جوانب این مساله را از آن استخراج و استنباط کرد؟

اگر جواب سوال فوق مثبت است، در این صورت آن جوانب کدامند و تفصیل آنها به چه ترتیب است؟

بدیهی است با جواب دادن به این سوالات و سوالات فراوان دیگری که از بطن این دو سوال قابل طرحند، می توان یک برنامه کامل و جامع برای دعوتگران و مبلغان تدوین نمود که شامل همه جزئیات و فروع باشد تا بتوانند در زندگی دعوی خود از آن بهره جویند. به علاوه تنها با تدوین چنین برنامه ای است که می توان در مورد رفتار دعوی و تبلیغی احزاب و گروه های اسلامی - و مخصوصاً معاصران - قضاوت صحیحی کرد و بالطبع به میزان قرب و یا بعد آنها از روح دین پی برده و نقایص و مشکلات آنها را برشمرد، اگرچه این رساله با هدف چنین قضاوتی تدوین نشده است.

اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق

دانشمندان براین باورند که حداقل نشانه های لازم برای اثبات وجود حیات در هر موجودی دو نشانه است:

اول : رشد و نمو

دوم : تولید مثل

اگر حتی یک نگاه گذرا به قرآن بیفکنیم، خواهیم دید که قرآن مؤمن را «حی» و زنده نامیده و در مقابل، غیر مؤمنان را «اموات» نامیده است.

از دو مقدمه فوق چنین می توان نتیجه گرفت که علامت و نشانه حیات دینی در وجود یک شخص مؤمن دو چیز است:

۱- پیشرفت و ترقی و به عبارتی دیگر رشد و نمو در مسیر عبودیت و تقرب به خدا.

۲- دعوت دیگران به سوی خدا، و این تعبیر دیگری از تولید مثل دینی است.

به این ترتیب دعوتگری، نتیجه و پیامد قطعی و حتمی و طبیعی دینداری صحیح است و بنابر توضیحات فوق، فهمی که به این نتایج نینجامد، فهمی ناقص و نارسا خواهد بود. و این یعنی ضرورت دعوتگری برای مؤمنان که البته مترتب بر مطالعات و تحقیقاتی در همین راستاست و انجام رساله هایی از این قبیل می تواند بازگوکننده ضرورت آن باشد.

توضیح اینکه: انجام امر دعوت جز با پشتوانه ای علمی و تجربی نمی تواند نتیجه مطلوب به دنبال داشته و غرض تشریح دعوت را برآورده سازد، بنابراین بعد علمی مساله بعد از درک وجوب دعوتگری، مرحله اول انجام این رسالت الهی است. بی توجهی به این مرحله بسیار مهم، تبعات منفی بیشماری به دنبال خواهد داشت. همچنانکه وضعیت جامعه دیندار امروزی بزرگترین گواه این مدعاست.

هدف تحقیق

هدف از انجام این رساله، بیان و توضیح اصول اساسی ورؤوس کلی مباحثی است که پیرامون دعوت از دیدگاه قرآن مطرحند. اگرچه بسیار پیرامون دعوت سخن گفته شده و


کتاب و مقاله نگاشته شده، ولی پیراستن دیدگاه قرآن از آراء و اقوال داعیان و تجربه گذشتگان کاری است که متأسفانه کمتر به آن توجه شده و حداقل در سطح کتب فارسی قابل دسترسی، این امر جز در مباحثی محدود و به ندرت، مشهود نیست. امید است این رساله خلأ موجود در این زمینه را تا حدی پرکند و یا حداقل گام اولی باشد برای گام های اساسی تر بعدی، ان شاء الله.

سعی شده محور اصلی این رساله قرآن کریم و آیات گرانبهای آن باشد و مراجعه به تفاسیر، استناد به احادیث و مثال آوردن از تجارب دعوتگران، جز برای تفهیم بیشتر مطلب و توضیح مفصل تر موضوع نبوده است. البته این سخن به معنی نفی ارزش و اعتبار تفاسیر معتبر و روایات صحیح و تجارب مستند دعوتگران نیست، این موارد در صورت اثبات صحت و اعتبار، مصدق قرآن بوده و به تعبیر دیگر، بعد زمانی و تاریخی و تجربی مساله دعوت هستند، دعوتی که قرآن متعهد ترسیم و تبیین تئوری آن شده است.

فصل اول: دعوت

تعریف لغوی دعوت

«دعا، يدعو، دُعاءً و دعوة» به معنی ندا دادن و فرا خواندن است^(۱) و «دعوتُ فلاناً» یعنی او را ندا دادم (لسان، ۲۵۸/۱۴، الصحاح، ۴۰۳/۱)^(۲) و بنا بر رأی برخی «الدعوة» اسمی است برای این فعل و نه مصدر و مصدر دوم آن «دعواً» می‌باشد. (لسان ۲۵۸/۱۴، فیومی، ۱۹۵). معنی دیگری که برای این واژه ذکر شده، نامیدن و اسم گذاشتن می‌باشد: «دعوتُ الولدِ زیداً أو بزید یعنی سمیته زیداً»، یعنی بچه متولد شده را زید نامیدم. (لسان، ۲۶۱/۱۴، فیومی، ۱۹۴) البته این معنی ثانوی از معنی اصلی و اساسی واژه خیلی دور نشده، زیرا نامیدن و نام گذاشتن بر روی شخصی به اسمی برای صدا کردن و ندا دادن آن شخص به این نام است و لذا این معنی ثانوی نیز ارتباط روشن و محکمی با معنی اولیه و اساسی واژه «دعا» دارد. دو استعمال فوق، استعمالات شایع واژه «دعا» هستند ولی علاوه بر آن دو، معانی دیگری نیز به صورت ثانوی به این واژه و مشتقات آن داده شده و مورد استعمال قرار گرفته اند که ما برای راحتی کار، مهمترین آنها را در جدول زیر نمایش داده ایم:

واژه یا مشتق آن	معنی	شاهد
تداعی	همدیگر را صدا زدند	مثل: (تداعی القوم)، این معنی اقتضای باب تفاعل است.
دعا	استغاث(کمک طلبید)	مثال آییه: 

۱- اگرچه همه لغویون معنی «دعا» را، «ندا» دانسته اند ولی بدیهی است که نمی توان این دو واژه را به صورت مطلق، مترادف و هم معنی دانست. شایان ذکر است که هم در این مورد و هم در مورد معانی دیگری که در کتب لغت برای واژه های دیگر ذکر شده، مراد ترادف کامل و مطلق واژه ها نیست، بلکه مراد ذکر نزدیک ترین فعل به واژه مورد نظر، از نظر معنایی، می باشد. مثلاً در اینجا مراد این است که نزدیکترین واژه از نظر معنایی به «دعا»، همان «ندا» می باشد.

۲- البته المصباح المنیر در معنی «دعا» نوشته: دعوته: نادیتة و طلبتُ اقبالةً (فیومی، ۱۹۴) ولی بدیهی است که معنی طلب اقبال تنها به صورت تضمینی در «دعا» نهفته است و همچنانکه در جای خود توضیح خواهیم داد همین معنی تضمینی فارق اصلی بین دعوت و تبلیغ می باشد.